

غزل غزلها: باغی در بسته



غزل غزلها: باغی در بسته

کتاب غزلها، عالی‌ترین غزلهاست! اما این کتاب به چه معناست؟ تعلیمش چیست؟ در این خصوص کمتر کسی اتفاق نظر دارد! با اینحال در این مختصر مقاله کوشیده‌ام از خلال جنگلِ تفسیر این کتاب، راهی به این “باغِ در بسته” بگشایم. در مقاله حاضر پس از برشمردن برخی از سوءتعبیرهایی که در مورد کتاب غزلها وجود دارد (قسمت اول)، به شرح چهار کلید برای تفسیر این کتاب خواهم پرداخت (قسمت دوم). تمامی این چهار کلید را به وضوح می‌توان در خود متن یافت. آنگاه با استفاده از این چهار کلید، به ارائهٔ متقاعدکننده‌ترین سه تفسیری که می‌توان از این کتاب داشت، خواهم پرداخت:

۱ - کتاب غزلها بیش و پیش از هر چیز غزلی عاشقانه است که لذتها و تمناهای عشق زناشویی را ارج می‌نهد (قسمت سوم).

۲ - در بُعد وسیع‌تر، این کتاب تصویری کلی، یا نیم‌نمایی، را ترسیم می‌کند که

پیشاپیش نمادی است از رابطه مسیح و عروس او کلیسا (قسمت ۴).

۳- کتاب غزلها به عنوان شعری حکمی، در مورد ماهیت رابطه ازدواج آنگونه که مورد نظر خداست، به ما می آموزد (قسمت ۵).

۱ - جنگل تفسیر

با گذشت بیش از بیست قرن، مفسران هنوز تا رسیدن به وحدت نظر در مورد کتابی که «پرابهام ترین کتاب عهدعتیق» خوانده شده است فرسنگها فاصله دارند. سعدیا گائون [۱]، محقق یهودی دوران قرون وسطی، این کتاب را به قفلی تشبیه کرد که «کلیدهایش گم شده است». چنانکه از نقل قولهای زیر پیداست، بسیاری از مفسران امروزی نیز با این نظر موافقند:

«در مورد هیچ یک از کتب عهدعتیق تا بدین حد نظرات گوناگون ابراز نشده است. این کتاب را می توان آنقدر به طرق مختلف تفسیر کرد که برخی یکسره از اینکار قطع امید کرده اند!»

«...کمتر کتابی در عهدعتیق به اندازه کتاب غزلها موضوع نقد و تفسیرهای متفاوت بوده است. فقدان مضامین دینی روشن، وجود ابیاتی که دارای دلالتهای جنسی است، و مبهم بودن طرح داستان، همه و همه دست به دست هم داده و باعث شده است این کتاب موضوع انواع و اقسام گمانه پردازیها قرار گیرد.»

بسیاری از مفسران، چارچوبی را بر متن تحمیل می کنند که ابداع خودشان است، و اصرار دارند که کتاب حتماً باید از این زاویه خوانده شود. رهیافت این مفسران در بسیاری از موارد خالی از حقیقت نیست، و به عنوان مثال می توان در گوشه هایی از متن به اشارات ظریفی که مؤید درستی نظر آنان است برخورد. مشکل زمانی بوجود می آید که این مفسران پا را از این حد بسیار فراتر نهاده،

رهیافت‌شان را بر بقیه کتاب نیز تحمیل می‌کنند و خواننده را موظف می‌سازند که قسمت‌های دیگر متن را به طریقی غیرطبیعی بخواند. نتیجه اینکه این زیباترین غزل را به چیزی تبدیل می‌کنند که نیست. این مفسران درست مثل شائول می‌کوشند زره پادشاه را به زور بر تنِ پسرکی چوپان کنند! زره اندازه پسرک نیست، مزاحم اوست، و قابلیت‌ها و چابکی او را از وی می‌رباید.

فرضیاتی که از خارج از متن بر کتاب غزلیا تحمیل می‌شود گوناگون است. در زیر به چند مورد عمده اشاره می‌کنیم:

فرضیات تاریخی (نظیر ازدواج سلیمان با دختر فرعون)

فرضیات مربوط به وجود روایت یا طریقی داستانی در کتاب (نظیر رابطه عاشقانه بین سلیمان و دختری شولامی [۲])

پرده‌برداری از هویت شخصیت‌های کتاب (نظیر مفروض گرفتنِ پسرکی چوپان که شولامی به‌رغم دلفریبی‌های سلیمان، نسبت به او وفادار می‌ماند).

مفروض گرفتنِ تمثیلی بودنِ متن (به عنوان مثال، اینکه «آواز فاخته» در ۱۲:۲ در واقع به موعظه رسولان اشاره دارد).

تصور وجود رهنمودهای جنسی در کتاب، گویی کتاب غزلیا نوعی راهنمای روابط جنسی است.

وجه مشترک تمام چنین فرضیات نادرستی این است که می‌کوشند از طریق گمانه‌پردازی‌هایی زائیده تخیلات، بر شعری که تعمداً پرابهام و پُر کنایه است معانی‌ای روشن و مشخص تحمیل کنند. با اینکه معنا و مفهوم بسیاری از نمادهای شعری از روی خود متن به‌درستی مشخص نیست، اینگونه نویسندگان وانمود می‌کنند که معانی سَرّی آنها را می‌دانند، یا چنین معانی‌ای را از خود ابداع می‌کنند

- خواه معانی تاریخی، خواه تمثیلی و یا جنسی.

گمانه‌پردازی‌های دو گروه اخیر (یعنی تمثیلی و جنسی)، در دو جهت متفاوت است. گروه اول معتقدند که هیچ‌گونه اشارات جنسی در کتاب وجود ندارد، و گروه دوم اصرار می‌ورزند که کتاب غزل‌ها جز به امور آشکارا جنسی نمی‌پردازد. بسیاری از نویسندگان صدر مسیحیت جزو گروه اول بودند و بیشتر به رهیافتی تمثیلی گرایش داشتند که اغلب به‌نظر می‌رسد انگیزهٔ نهفته در پس آن، بر دیدگاهی غیرکتاب‌مقدسی در مورد غریزهٔ جنسی مبتنی است. ناتوانی اینگونه مفسران از اتخاذ نگرشی مثبت در قبال میل جنسی به‌عنوان موهبتی خدادادی، باعث شده است تفسیرات عجیب و غریبی از این کتاب ارائه دهند که همگی بر این پیش‌فرض استوار است که کتاب غزل‌ها بعید است راجع به چیزی باشد که در خود کتاب از آن سخن رفته!

تمثیل (allegory) نوعی استعارهٔ بسط یافته است که در آن، جزئیات درون متن (نظیر اشیاء، افراد یا وقایع متن) واجد معانی‌ای تلقی می‌شوند که در خارج از متن نهفته است. به‌عنوان مثال، گفته می‌شود که بوسه‌های مرد (۲:۱) تمثیلی است از کلام خدا، پوست سیاه دختر (۵:۱) گناه است، دو غنچهٔ لبانش (۱۱:۴) شریعت و انجیل هستند، منظور از «لشکریان بیرق‌دار» (۴:۶) کلیساست که با شیطان در نبرد است، و هشتاد مُتَعَه سلیمان (۸:۶) نمایانگر هشتاد نوع ارتدادی است که به کلیسا آسیب خواهد رساند.

اما معمولاً وقتی متنی تمثیلی است، خود متن در این مورد به خواننده اشاراتی می‌دهد. حال آنکه در کتاب مقدس هرگز از کتاب غزل‌ها به‌عنوان تمثیل یاد نشده است. مشکل دیگر اینگونه برداشتهای تمثیلی این است که خوانندگان مختلف می‌توانند «معانی» مختلفی در متن بیابند که همگی به یک اندازه محتمل و منطقی به‌نظر می‌رسند. به‌عنوان مثال، نویسندگان مسیحی بر این باورند که کتاب در مورد

رابطه بین مسیح و کلیساست، حال آنکه محققان یهودی مدعی اند کتاب غزلهای در مورد خدا و اسرائیل، یا انسان و حکمت صحبت می کند. حتی در جزئیات نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی می گویند منظور از سینه های های دختر (۱:۱۳)، آموزه های کلیساست که باعث تغذیه و پرورش انسان است. اما برخی دیگر معتقدند منظور از دو پستان دختر عهدعتیق و عهدجدید است (در تفسیر مسیحی)، و یا دو کروی ای است که جلال خداوند در میان آن ظاهر می شود (در تفسیر یهودی). آیا منظور از ناف دختر (۲:۷)، حوض تعمید کلیساست (در برداشت مسیحی)، یا شورای یهود در اورشلیم (در تفسیر یهودی)؛ همانطور که می بینید، در این رهیافت خود را با متنی مواجه می بینیم که به تعداد خوانندگان می توان در آن معانی مختلف یافت، و در واقع هیچ معنی مشخصی نمی توان در آن یافت.

طرفداران نگرش تمثیلی معتقدند که توصیف کلیسا در عهدجدید به عنوان عروس مسیح، تأییدی است بر درستی رهیافت آنها. اما این موضوع به هیچ وجه نمی تواند توجیهی باشد برای اینکه تک تک جزئیات شعر را طوری بخوانیم که متن نمی گوید. آیاتی از عهدجدید که در مورد کلیسا به عنوان عروس مسیح صحبت می کند، هرگز به کتاب غزل غزلهای اشاره نمی کند. تعبیر کردن بعضی از قسمت های کتاب غزلهای در چنین راستایی اتفاقاً بسیار نابجا و ناشایست است. به عنوان مثال خیلی عجیب است تصور کنیم که مسیحیان بخواهند مسیح را در قالب تعابیری نظیر آنچه در ۱۰:۵ - ۱۶ (یا ۲:۱، ۱۳ و ۱۶؛ ۲:۵ - ۶) می بینیم، ستایش کنند! یا اینکه مسیح، کلیسا را آنطور که در ۹:۴ - ۱۱ یا ۱:۷ - ۹ آمده، توصیف نماید! این رهیافت تفسیری قدیم امروزه به حق کنار گذاشته شده است، مگر معدود مفسرانی که هنوز بدان پایبندند.

و اما از دهه ۱۹۷۰ به این سو، برخی کوشیده اند این غزل ظریف و زیبا را نوعی کتابچه راهنمای امور جنسی جلوه دهند. درست است که نمادهای به کار رفته در

کتاب غزلها آشکارا در مورد امیالی پر شور، تمناهایی عاشقانه و عشقی لطیف است، اما کتاب تعمداً بر جزئیات خصوصی و شخصی نقاب ابهام و پرده عفاف می‌کشد تا قداست بستر زناشویی را حفظ کند. کلمات تصویری‌ای که عروس و داماد خطاب به یکدیگر به کار می‌برند شاید برای خود آنها دارای معانی‌ای مشخص بوده و یا نبوده باشد، اما تمام آنچه مفسر می‌تواند با قطعیت اظهار کند این است که این دو از وجود یکدیگر لذت می‌برند. عاشق و معشوق در این کتاب تمامی حواس پنجگانه را با توسل به لذت‌بخش‌ترین صور خیال (imagery)، نظیر روغن، عطرها، دل‌انگیز و تصاویر دلپذیر، که اغلب در باغی زیبا کنار هم آراسته شده‌اند، برمی‌انگیزند. اما در این باغ «قفل» است، که خود تأییدی است بر ضرورت حفظ حریم خصوصی آن. هیچ ضرورتی ندارد که مفسر پا را از حدی که خود کتاب مقدس قرار داده، فراتر نهد. البته این بدان معنا نیست که ما از درک بسیاری از موارد صناعات مجازی، مبهم و کنایه‌آمیز زبان شعر عاجزیم، و قطعاً بدین معنا نیست که نمی‌توانیم به درک معنای کلی کتاب نائل شویم، نکته‌ای که موضوع بحث حاضر است.

۲- کلیدهای تفسیر

کلیدهای تفسیر این کتاب گم نشده است، بلکه آنها را باید در درون خود کتاب جست. در واقع تمامی این چهار کلید در همان کلمات آغازین که به وضوح به توصیف کتاب می‌پردازد، یافت می‌شوند: «غزل غزلها که از آن سلیمان است» (۱:۱). نخست، «غزل غزلها» بدین معنا نیست که کتاب، سروده‌ای ترکیبی (یا گلچینی) است متشکل از غزلیات غیرمرتبطی که همگی به یک موضوع واحد می‌پردازند. بلکه این عنوان، یک صفت عالی است، نظیر «شاه‌شاهان» یا «قدس‌الاقداص». بنابراین، کتاب غزلها یک غزل معمولی نیست. اشعار آن بی‌نظیر است و از لحاظ کیفیت و زیبایی، عالی‌ترین است. موضوع آن نیز، یعنی

عشق بین زن و مرد، از والاترین مضامین ادبی است.

کتاب غزلها «سرودی عاشقانه» است که عمدتاً توسط یک زن (دلدار) و یک مرد (دل داده) سروده می‌شود و گاه و بی‌گاه کسانی نیز به‌عنوان دسته‌سرایندگان قطعاتی بیان می‌دارند. قسمت‌هایی در سرود که در آن گوینده عوض می‌شود، در زبان اصلی عبری با استفاده از ضمیر مذکر یا مؤنث و نیز از طریق شماره‌گذاری به‌وضوح مشخص شده است. به‌عنوان مثال برای اشاره به یک مرد یا یک زن چهار نوع «تو» وجود دارد، و برای اشاره به چند مرد یا زن نیز چهار نوع «شما» در متن وجود دارد.

دوم اینکه کتاب غزلها به‌عنوان «غزل»، شعر است. قسمت‌های شعری کتاب مقدس با نثر فرق دارند. به‌عنوان مثال اشعاری که در خروج فصل ۱۵ و داوران فصل ۵ آمده، جزئیات وقایع را مانند فصلهای قبلی آنها یعنی خروج ۱۴ و داوران ۴ به ترتیب زمانی نقل نمی‌کنند، هرچند صحبت در هر دو مورد راجع به واقعهای یکسان است. بلکه شاعر صرفاً می‌کوشد تجربه خود را به‌صورت هنری در قالب شعر بسراید، تا پاسخ احساسی مناسب، یعنی جشن و شادی را، در مخاطب برانگیزد. به همین ترتیب، هدف اصلی این شعر عاشقانه نیز برانگیختن شور و شادی مربوط به عشق زناشویی است.

سوم اینکه این کتاب از آنجا که شعری عالی و برتر است («غزل‌غزلها»)، کاملاً محتمل است که بیش از یک لایه معنایی را به خواننده منتقل سازد. در واقع قالب شعری کتاب غزلها چنان عالی و بی‌نظیر است که محتوا و پیام آن را حتی می‌توان در مفهومی مجازی به مسیح و کلیسا اطلاق کرد. زیرا مگر نه این است که مسیح یگانه مضمون بی‌همتا و بی‌نظیر کتاب مقدس است (متی ۱۷:۵؛ لوقا ۲۴:۲۵-۲۷ و ۴۴ و ۴۵؛ یوحنا ۳۹:۵؛ دوم تیموتائوس ۳:۱۴-۱۷)؛ در این نگرش، برخلاف رهیافت تمثیلی، لازم نیست در تک‌تک جزئیات به دنبال معنایی معنوی بگردیم، و

سرود عاشقانه کماکان پیام اصلی کتاب باقی می‌ماند.

چهارمین کلیدی که در عنوان کتاب یافت می‌شود (۱:۱) اشاره به سلیمان است، که حکایت از این دارد که کتاب غزل‌ها جزو ادبیات حکمی کتاب مقدس است. سلیمان از دیرباز نگارنده دو کتاب از سه کتاب حکمی دیگر کتاب مقدس نیز دانسته شده است (جامعه ۱:۱ و ۱۲ را با امثال ۱:۱ مقایسه کنید). شباهت ادبی نزدیک کتاب غزل‌ها با سه شعر حکمی موجود در کتاب امثال (امثال ۵:۱۵-۲۰؛ ۶:۲۴-۲۹؛ ۷:۶-۲۳) خود گواه دیگری است بر حکمی بودن ژانر یا نوع ادبی کتاب غزل‌ها.

۳- سرودی عاشقانه

بهترین تفسیر در مورد کتاب غزل‌ها، ساده‌ترین و روشن‌ترین تفسیر است: اینکه غزل غزل‌ها صرفاً یک سرود عاشقانه است و بس، و هیچ تمثیل یا قیاس نهانی‌ای در آن نیست. کلیت کتاب، بازگوکننده هیچ داستانی نیست و طرح کلی خاصی ندارد. کتاب غزل‌ها صرفاً بیان شعرگونه عشق بین یک عروس و داماد است. ایماژ یا صور خیالی (imagery) آن را نباید به صورت تحت‌اللفظی تعبیر کرد. ایماژهای به‌کار رفته در کتاب، مابین جلال و جبروت شاهانه و حال و هوای روستایی و شبانی مراتع در نوسان است، و سراینده از این طریق می‌کوشد شکوه و عظمت و در عین حال سادگی و زیبایی طبیعی عشق جسمانی را به‌تمامی به خواننده منتقل کند.

کتاب غزل‌ها به‌عنوان شعر، تعمداً مبهم و غیر دقیق است. شخصیت‌های آن به روشنی تعریف نشده‌اند. هر از گاه از اسامی و القابی استفاده شده، اما این امر در سراسر شعر به‌طور پیوسته به‌کار نرفته است. وقایع در کتاب غزل‌ها به ترتیب زمانی بیان نشده‌اند. این کتاب نه یک نمایش است و نه یک قصیده (قصیده

سرودی است که داستانی را بازگو می‌کند)، بلکه کتاب غزل‌ها به‌عنوان شعر و سروده، کیفیتی دوّار و مکرر دارد. رابطه عاشقانه بین دلدار و دل‌داده، مابین معاشقه و ازدواج، انتظار و وصال، و رؤیا (۱:۳-۵؛ ۲:۵-۸) و واقعیت در نوسان است. به‌عنوان مثال، مضمون آیات پایانی کتاب (۸:۸-۱۲) تکرارِ مجددِ واژگان و ایماژهای به‌کار رفته در بندهای آغازین کتاب است که به دوران قبل از زفاف بازمی‌گردد (۲:۱-۶). این آیات پایانی در مورد معاشقه بین زوجین، در شرایطی که ترتیب زمانی وقایع رعایت نشده است، در پی آیات ۵:۸-۷ می‌آید که به لحاظ ادبی و احساسی یکی از نقاط اوج کتاب است و عشق حقیقی سرانجام در آن بیدار می‌گردد (۵:۸).

و اصلاً چرا نباید کتاب غزل‌ها، غزلی عاشقانه باشد؟ کتاب مقدس در خصوص امور جنسی گفتنی‌ها بسیار دارد، و اولین نمونه آن را نیز در همان نخستین سخنان خدا به آدم و حوا شاهدیم («بارور و کثیر شوید»، پیدایش ۱:۲۲). خدا مرد و زن را آفرید، و نهاد ازدواج را مقرر داشت و تقدیس نمود (پیدایش ۱:۲۷؛ ۲:۲-۲۴). پس از سقوط انسان، کتاب مقدس حد و حدود روشن و مشخصی در خصوص امور جنسی تعیین می‌کند، و عهد جدید نیز بر معیارهای عهد عتیق در خصوص پاکدامنی و عفت جنسی مهر تأیید می‌زند. هشدارهای کتاب مقدس در این مورد کاملاً روشن است: خدا فسق و فجور و گناهان جنسی را به هیچ وجه تحمل نمی‌کند و کسانی را که مرتکب چنین گناهانی می‌شوند دآوری خواهد کرد.

اما آنچه زشت و نادرست است، تنها انحراف جنسی است و بس. خدا یک کتاب کامل در کتاب مقدس را به این موضوع اختصاص داده که به‌طور واضح و روشن بر عشق زناشویی مهر تأیید زند. در کتاب غزل‌ها، باغ عدن احیا شده را می‌بینیم: یعنی عشق را به‌گونه‌ای که خدا از ابتدا در نظر داشت. کتاب غزل‌ها ما را به بازگشتن به نقشه‌ی ازلی خدا مبنی بر پیوستن یک مرد با یک زن، فرا می‌خواند. در

سراسر این شعر لطیف، صمیمیت فیزیکی و احساسی عشق زناشویی با ظرافت و بطور غیرمستقیم بیان شده است. زبان به‌کار رفته در شعر، ظریف و فاخر و پاک و معصومانه است، به‌طوری که خواندن آن برای هر گروه سنی مناسب است. تصویری که کتاب غزل‌ها از عشق ارائه می‌دهد در تضاد آشکار با سخنان مبتذل، دیدگاه‌های منحرف و سبک زندگی مخربی است که در این دنیای سقوط کرده رواج دارد. غزل غزل‌های سلیمان، از معاشقه، انتظار لذت‌بخش برای وصال، و صمیمیت مقدس حریم خصوصی روابط جنسی زناشویی، روایتی متفاوت ارائه می‌دهد.

بنابراین دیدیم که کتاب غزل‌ها بیانی شاعرانه و دل‌انگیز است از عشق بین یک زن و یک مرد. اما شعر تنها به همین حد خلاصه نمی‌شود. اگر تنها به همین حد اکتفا کنیم، از درک اهمیت الاهیاتی و چارچوب کتاب مقدسی کتاب غزل‌ها غافل می‌مانیم.

۴- نمونه‌ای از مسیح

ازدواج در کتاب مقدس استعاره‌ای (metaphor) است برای محبت خدا نسبت به اسرائیل (اشعیا ۱:۵۰؛ ۴:۵۴-۵؛ ارمیا ۱:۳-۲۰؛ حزقیال ۱۶ و ۲۳؛ هوشع ۱-۳). از دیدگاهی عهدجدیدی، غزل غزل‌ها ما را از برکات ازدواج زمینی فراتر برده، به‌سوی شادی و خوشی بی‌نهایت عظیم‌تر اتحاد آسمانی - که نهاد زمینی ازدواج صرفاً سایه‌ای مبهم از آن است - رهنمود می‌شود. مسیح داماد حقیقی است (متی ۱۵:۹)، کلیسا عروس اوست (دوم قرن‌تیاں ۲:۱۱)، و ضیافت عروسی نزدیک است (مکاشفه ۷:۱۹). پولس از تمامی اینها به‌عنوان «راز عظیم» یاد می‌کند (افسسیان ۳۲:۵): درست همانطور که زن و شوهر «یک تن» می‌شوند، «آن که با خداوند می‌پیوندد، با او یک روح است» (اول قرن‌تیاں ۶:۱۷؛ افسسیان ۵:۲۲-۳۳).

«نمونه» (type)، تصویری است از شخص، واقعه یا نهادی در عهدعتیق که بنا به اراده خدا پیشاپیش به شخص (مخصوصاً مسیح)، واقعه یا نهادی اشاره دارد که بعدها در عهدجدید به صورت بسیار واضح‌تری مکشوف می‌شود. به عبارت دیگر، «نمونه» سایه‌ای است از آنچه بعداً خواهد آمد (کولسیان ۲: ۱۷؛ عبرانیان ۸: ۵؛ ۱۰: ۱).

برخی ایراد گرفته‌اند که سلیمان به‌عنوان کسی که زنان متعدد داشت (اول پادشاهان ۱: ۱۱-۶)، نه نمونه شایسته‌ای برای مسیح است و نه الگویی مناسب برای عشق وفادارانه در چارچوب ازدواج. اما واقعیت این است که کتاب مقدس بارها از سلیمان به‌عنوان یک «نمونه» یاد می‌کند (مزمور ۷۲؛ متی ۱۲: ۴۲؛ لوقا ۱۱: ۳۱)، و «نمونه» لازم نیست حتماً از هر جهت با «نمونه محقق» (antitype) خود مطابقت داشته باشد. درست همانطور که جنازه فاسد شده داوود پیشاپیش اشاره به «داوود بزرگ‌تری» داشت که «هرگز فساد نخواهد دید» (مزمور ۱۶: ۹-۱۱؛ اعمال ۲: ۲۹-۳۲)، عشق ناقص سلیمان نیز می‌تواند پیشاپیش به عشق و محبت بسیار برتر کسی اشاره داشته باشد که بسی از سلیمان بزرگتر است.

۵- شعری حکمی

پیام اصلی کتاب غزل‌ها این است که عشق و میل جنسی موهبتی است از جانب خدا که نباید سرسری گرفته شود. در زندگی ما انسان‌ها هیچ چیز به اندازه این ناحیه نمی‌تواند ما را به دردسر بیاندازد. در یک طرف، فرهنگ حاکم بر دنیا میل جنسی را به ابتذال می‌کشانند و آن را از عشق حقیقی جدا می‌سازد، و در طرفی دیگر، میل جنسی چیزی کثیف قلمداد می‌شود که نباید راجع به آن صحبت کرد. غزل غزل‌های سلیمان، همصدا با دیگر قسمت‌های کتاب مقدس، در مقام اصلاح این هر دو خطا برمی‌آید، و این کار را به‌طور مثبت و با سخن گفتن از لذت و

خوشی عشق جنسی در چارچوب تعهد ازدواج انجام می‌دهد.

کتاب غزل‌ها، درسی زیبا و شاعرانه است راجع به ماهیت عشق بین عروس و داماد، و الگویی از عشق حقیقی مقابل ما می‌گذارد. با مطالعه این کتاب درمی‌یابیم که:

بخشی از نقشه خدا برای زن و مرد این است که در چارچوب ازدواج برای یکدیگر اشتیاق داشته باشند و از عشق پر شور نسبت به هم لذت ببرند.

خدا چنین مقرر داشته که هم مرد و هم زن به داشتن رابطه جنسی با همسرشان تمایل داشته باشند.

عشق تنها جنبه فیزیکی ندارد بلکه باید بر زبان نیز آورده شود: عاشق و معشوق خطاب به یکدیگر می‌گویند که چقدر نسبت به هم اشتیاق دارند و از وجود هم لذت می‌برند.

عشق واقعی از مرحله ارضاء جنسی فراتر می‌رود و شامل عشق و محبتی پایدار است که در هر شرایطی نسبت به طرف مقابل وفادار می‌ماند.

عشق زناشویی شامل محبتی متقابل و احترام و توجهی فداکارانه است (که به‌عنوان مثال در قالب استفاده از واژگان «برادر و خواهر» بدان اشاره شده است: ۱۰:۴-۱۲؛ ۱:۵؛ ۱:۸).

عشق بین زن و مرد، آتشی خاموش‌ناشدنی است که با غیرت و حس تملک همراه است.

عشق پر شور را نباید به زور ایجاد کرد یا در آن تعجیل داشت.

عشق حقیقی را نمی‌توان خرید (۷:۸).

عشق آنگاه که برانگیخته شد (۵:۸)، باید وفادار و متعهد بماند و در فضایی توأم با احترام و اعتماد متقابل، ارج نهاده شود و به خوبی از آن محافظت گردد (۶:۸-۷).

۶- چگونه این کتاب را بخوانیم؟

از آن لذت ببرید! در آن شادی کنید! آن را کالبدشکافی نکنید و در جستجوی یافتن معانی‌ای پنهان، بی‌رحمانه آن را نشکافید و زیبایی‌اش را از بین نبرید، بلکه با ملایمت طعم آن را بچشید و از آن لذت ببرید. صرفاً اجازه دهید این غزل بیش از هر غزل دیگری شما را با رایحه‌ی خوش بهاری‌اش که در فضا پراکنده است، در بر بگیرد (۱۱:۲-۱۳؛ ۱۶:۴): بوی عشق به مشام می‌رسد!

داماد در این کتاب، عروس خود را «باغی در بسته» می‌خواند (۱۲:۴). اگر دقت کنیم، خواهیم دید که کتاب غزل‌ها نه یک جنگل، بلکه باغی است سرسبز و زیبا با عطرهاى دل‌انگیز، که در آن به حق بسته است. در این مقاله برای ورود به این باغ چهار کلید یافتیم. اما این چهار کلید تنها به ما اجازه می‌دهند که در مسیر اصلی گام برداریم و از همانجا به صدای فاخته‌ها گوش بسپاریم، از دیدن صحنه‌های زیبا لذت ببریم و از بوئیدن رایحه‌ی خوش باغ سرمست شویم. ریشه‌های پنهانی، که منشاء رنگ و بوی باغ است، در پس ردایی از عفت از دیده نهان است و نباید وارد حریم خصوصی آن شد. این غزل مسحورکننده به ما اجازه نمی‌دهد که باغ را با ریشه‌کن کردن گل‌های آن تباه سازیم.

همچنان که از این غزل لذت می‌برید، آماده باشید از آن پند بیاموزید. کتاب غزل‌ها پادزهر مثبتی است در قبال فرهنگ دنیای پیرامون ما که با شهوت‌رانی لجام‌گسیخته خود، هدیه باارزش میل جنسی را که خدا به انسان بخشیده به ابتذال می‌کشاند. کتاب غزل‌ها از آنجا که عالی‌ترین شعر است و بی‌نهایت زیبا، و

لایه‌های معانی برتر و عمیق‌تری دارد، هیچ رهیافت تفسیری خاصی نیست که به تنهایی برای تفسیر آن کافی باشد. این کتاب را باید بارها و بارها، و از دیدگاه‌های تفسیری متفاوت، مطالعه کرد. به اعتقاد من سه شیوهٔ درست برای مطالعه این کتاب وجود دارد، که عبارتند از:

۱- به‌عنوان غزلی عاشقانه

۲- به‌عنوان تصویری کلی از رابطهٔ مسیح با عروسی کلیسا

۳- به‌عنوان شعری حکمی در مورد ماهیت عشق زناشویی.

منبع سایت کلمه